

# کربلا در یادداشت‌ها

میر بصیری<sup>۱</sup>  
مترجم:  
محمدحسین خوشنویس

## چکیده

کربلا از مهم‌ترین و در عین حال مقدس‌ترین شهرهای شیعیان در سرزمین عراق واقع شده است. این شهر افزون بر اهمیتی که از نظر فرهنگی و مذهبی در تاریخ شیعه دارد، در طول تاریخ تشیع، روزهای پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته و همواره کانون حوادث مهمی بوده است. کربلا به‌ویژه در دو سده اخیر، حوادث ناگواری را تجربه کرده و بارها مورد هجوم وهابیان، حاکمان سرزمین‌های دیگر و حتی بیگانگان قرار گرفته است.

این شهر مقدس خاستگاه ادیبان و دانشمندان و نیز سیاستمدارانی بوده که در دوران معاصر صاحب مناصب مهم علمی و حکومتی بوده‌اند.

اقتصاد کربلا بر پایه تولید و صادرات خرماسد و مردم این شهر را قبایل فراوانی تشکیل می‌دهند که از دیرباز به برگزاری مراسم مذهبی پایبند بوده‌اند. همچنین در دو سده گذشته مردم بقیه شهرهای عراق، از جمله یهودیان به خریدن زمین در اطراف این شهر اقدام کرده‌اند.

این نوشتار از نگاه نویسندگانی که درباره این شهر نوشته‌اند، کربلا را می‌نگرد و برخی بزرگان این شهر را معرفی می‌کند.

**واژگان کلیدی:** کربلا، یادداشت، فرهنگ و تمدن اسلامی، شیعه، عراق.

کربلا از شهرهایی است که در عین مرکزیت برای فرهنگ و تمدن اسلامی، در دوره‌های مختلف مخصوصاً در دو سده اخیر حوادث هولناکی را به خود دیده است؛ از جمله حمله وهابی‌ها در ۱۸۰۱م<sup>۲</sup> هجری «محمد نجیب پاشا» والی بغداد در سال ۱۸۴۲م<sup>۳</sup> انقلاب مردم کربلا علیه عثمانی‌ها در اثنای جنگ جهانی اول و علیه انگلیس در سال ۱۹۲۰م<sup>۴</sup>.

پس از سلطه حکومت ملی بر عراق، «سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی» به وزارت معارف و بهداشت رسید و یک سال بعد «سید محمد علی هبة الدین حسینی شهرستانی حائری»<sup>۵</sup> بر مسند وزارت معارف تکیه زد.

نام کربلا که به میان می‌آید، شهردار و نماینده مجلس که هر دو فرستاده حکومت مرکزی عثمانی بودند، به یاد می‌آید. همچنین ادیب و شاعر ممتازش «عبدالمهدی حافظ» را به یاد می‌آورد. «عباس غراوی» در جزء هشتم از کتابش به نام «تاریخ عراق بین دو اشغال» می‌نویسد:

عبدالمهدی حافظه‌ای قوی داشت و دارای قداست و جرأت و زیرکی خاصی بود. در اثنای جنگ جهانی اول توانست مردم کربلا را با اشعارش بر ضد حکومت عثمانی بشوراند، تا جایی که کارمندان دولت را از شهر کربلا بیرون کردند و جز با وساطت والی بغداد به شهر بازنگشتند.

«سید سلمان هادی آل طعمه» در کتابش به نام «شعرای کربلا» عبدالمهدی را شاعری

روشن ضمیر، بلیغ و پراطلاع، خطیبی سخنور و توانا معرفی می‌کند. اشعار عبدالمهدی بر سردر ورودی حرم مطهر امام حسین علیه السلام نصب شده است. وی در سال ۱۹۱۶م درگذشت. اقتصاد کربلا بر تولید و صادرات خرما متمرکز است. در دهه پنجاه میلادی رئیس صنف خرمافروشان شدم و به همراه «مصطفی آسَدخان» رئیس شورای مرکزی، برای سرکشی به افرادی که در این صنف بودند، به نخلستان‌ها می‌رفتیم و به مغازه خرمافروشی آنان سر می‌زدیم.

یکی از خیانت‌های «مدحت پاشا»<sup>۶</sup> این بود که در سال ۱۸۶۹م ملاکان و ثروتمندان یهودی ساکن در عراق را به خرید زمین‌ها و باغستان‌های بغداد و کربلا تشویق کرد و زمین‌های وسیعی از این سرزمین توسط یهودیان خریداری شد.

«آل حردون» خانواده‌ای معروف در کربلا بودند که به موسی بن جعفر علیه السلام منتسب بودند و ملتزم بودند تا امواتشان را در کربلا به خاک بسپارند. حتی افرادی را معین کردند تا این عهد قدیمی را عملی کنند. در ماه محرم هر سال نیز هیئت‌های عزاداری موسوم به آل حردون مجالسی را برپا می‌کردند و بلیغ‌ترین خطبا را دعوت می‌کردند و مردم نیز در این مراسم حضور جدی داشتند.

در بیابان‌های اطراف کربلا قلعه‌ای سبز رنگ به نام «أخضر» است که نامش نیز از کلمه اخضر گرفته شده. برخی معتقدند تاریخ ساخت این قلعه به پیش از اسلام و دوره ساسانیان بازمی‌گردد؛ اما دکتر مصطفی جواد معتقد است که این قلعه در دوره عباسی تأسیس شده؛ چون دارای مسجد و محرابی است که تاریخ ساخت آن با تاریخ ساخت قلعه برابری می‌کند و در ضمن، معماری آن شبیه سبک معماری اسلامی است. مصطفی جواد از جمله مورخانانی بود که برنامه‌ای هفتگی در تلویزیون درباره تاریخ داشت.

نام کربلا با نام وزیر دادگستری و خارجه عراق عجین شده است: «محمود صبحی دفتری» که کربلایی بود. یادم هست زمانی که کودکی هشت یا نه ساله بود، با پدرش «فؤاد دفتری» برای زیارت به حرم مطهر حسینی مشرف می‌شد. «فؤاد دفتری» دادستان

کربلا را تعیین می‌کرد. محمود صبحی پنج سال در کربلا زندگی کرد و شخصیتش با حال و هوای معنوی کربلا خو گرفت، تا جایی که در سال ۱۹۱۲م به عنوان نماینده کربلا در مجلس عثمانی انتخاب شد. محمود صبحی دو زبان ترکی و فارسی را به خوبی فراگرفت و اشعاری را به این دو زبان حفظ بود و اشعاری به ترکی می‌سرود.

هر وقت کنار هم می‌نشستیم، شروع می‌کرد به بیان خاطرات کودکی‌اش که در کربلا گذشته بود. او رفاقت دیرینه‌ای نیز با مدیر اوقاف کربلا داشت. دو فرزندش در کربلا به دنیا آمدند و به دانشکده انتظامی رفتند تا به عالی‌ترین درجات نظامی دست یافتند. روزی ایشان را درحالی که لباس نظامی بر تن داشتند و مدال‌های رنگارنگی بر سینه ایشان نصب شده بود، ملاقات کردم.

کربلا هیچ وقت ادیب بزرگش «احمد حامد صراف» را فراموش نمی‌کند. روزی به همراه او و دکتر مصطفی جواد با شاعر سخنور «محمد علی یعقوبی» ملاقاتی ادیبانه داشتیم و از گفت‌وگو با آنان بسیار بهره بردم. احمد صراف در سال ۱۹۰۰م در کربلا متولد شد و پدرش «حاج موسی» از درجه‌داران نظامی حکومت عثمانی بود. احمد در بغداد بزرگ شد و ده ساله بود که پدرش را از دست داد. او در عراق و چند کشور همسایه به مناصب مهمی دست یافت. در عراق مدیر کل تبلیغات اسلامی شد. عضو هیئت علمی ادبیات عرب در دمشق و عضو مجمع ادبی در ایران هم بود. در سال ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵م قاضی منحصربه‌فرد کربلا شد. رشد و نمو احمد در کربلا تاثیر شگرفی بر تربیت او گذاشت و او را چندین پله از هم‌سالانش بالاتر برد. ابیاتی نیز همیشه بر زبانش جاری بود؛ از جمله:

أَحْلَى مِنَ الشَّهَدِ إِلَى الشَّارِبِ	(۱) حُبُّ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ
حَرَمِينَ قَدْ حُطُّ بِلا كَاتِبِ	(۲) لَوْ فَتَشُوا قَلْبِي لِأَلْفَوْا بِهِ
وَحُبِّ أَهْلِ الْبَيْتِ فِي جَانِبِ	(۳) الْعَدْلِ وَالْإِيْمَانِ فِي جَانِبِ

محبّت به علی بن ابی طالب برای دارنده آن، از عسل برای خورنده آن شیرین تر است. اگر قلبم را بگردند، می یابند که دو جمله را که هیچ نویسنده‌ای آن را ننوشته است. عدالت و ایمان در طرفی و محبّت به اهل بیت علیهم السلام در طرفی دیگر است. احمد در این اواخر به تصوّف گرایش پیدا کرد و برای ملاقات با بزرگان این مرام به ایران سفر کرد. یک بار به من گفت که به دیوان مولانا «خالد نقشبندی»<sup>۷</sup> دست یافته است. پس از بازگشت به عراق نیز برای ملاقات با شیخ طریقت «مُبَجَّل» به شمال این کشور سفر کرد.

## پی‌نوشت‌ها

۱. تاریخ‌نگار عراقی.
۲. در این سال امیر مسعود در رأس نیروهای بسیاری از مردم نجد و حجاز به طرف عراق حرکت کرد و پس از رسیدن به شهر کربلا دیوار شهر را تخریب کرده و به زور وارد شهر شد و هر آنچه از تخریب و قتل و غارت می‌توانست انجام داد و بخش‌هایی از حرم‌های مطهر ویران شد.
۳. در این سال نجیب پاشا والی بغداد به بهانه عدم پرداخت مالیات به کربلا حمله کرد. برخی تعداد کشته‌های مردم در این حادثه را تا بیست‌هزار تن گفته‌اند.
۴. این حرکت به رهبری میرزا محمدتقی شیرازی در کل عراق صورت گرفت و به نتیجه نسبی دست یافت و دست انگلیس از عراق کوتاه شد و مردم حکومت ملی تشکیل دادند.
۵. سید محمدعلی شهرستانی مجتهد و مفسری بزرگ در عراق بود. علوم مقدّماتی را در کربلا به پایان رساند و پس از فوت پدر، به نجف رفت و پای درس آخوند خراسانی نشست. در سال ۱۳۳۹ق به وزارت معارف رسید؛ اما اصلاحاتی داشت که مورد پسند حکومت قرار نگرفت و در سال ۱۳۴۰ق از این منصب عزل شد. از او بیش از صد کتاب و رساله بر جا مانده است. در سال ۱۹۵۲م به عنوان نماینده بغداد وارد مجلس شورای ملی شد و پس از انحلال مجلس به تألیف پرداخت. او در ۸۵ سالگی از دنیا رفت.
۶. «مدحت پاشا» یکی از رجال سیاسی عثمانی است.
۷. خالد بن احمد شهروزی، از مشایخ معروف نقشبندی است. در روستای قره‌داغ از توابع شهر سلیمانیه به دنیا آمد و علوم مقدّماتی را نزد پدر آموخت و برای ادامه تحصیلات به ایران آمد و علوم ریاضی و حساب و هندسه را آموخت. در جوانی با اساتید و مشایخی دیر تصوّف آشنا شد و شعبه «نقشبندیه» را پذیرفت که سلسله‌ای منتسب به «بهاء‌الدین نقشبند» است. خواجه عبدالله احرار و سعدالدین کاشغری از سران این فرقه هستند و در هند مرکزیت دارند.